

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

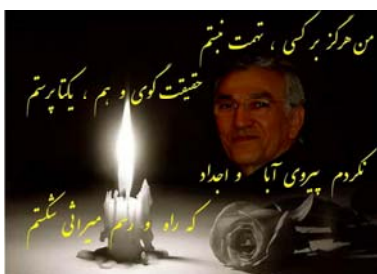
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۷ اکتوبر ۲۰۱۸



تیغ جوهردار

دلم امشب هوای یار دارد	ولی او، با رقیبان تار دارد
به (سوما) شکوه آرم یا به (سینا...)	که (زینب) خامه در پرکار دارد
چه زیب و زینتی داده به فیسبوک	شکار از یار و از اغیار دارد
تماماً واژه هایش سحر آمیز	ز ابرو، تیغ جوهردار دارد
گل و ریحان تراود از پیامش	بهشتی در گپ و گفتار دارد
لبان پر شراب ناب خاص	زبان شهد و شکر بار دارد
قلم با ناز، می آرد به جولان	رقم، پُر نور و پُر از نار دارد
به دل بردن چنان استاد ماهر	به در، گفتار او، دیوار دارد
پیام (عاطف)، بانوی فرهنگ	زلیخا، یوسف و بازار دارد
به آقای (علم) گویم نگویم	که (خالد) لطف بس بسیار دارد
چنان ذره نواز و نمله پرور	دوا، بر درد هر بیمار دارد
(نجیب) و (پوپل) و (آروین) و (ظاهر)	که هریک گفتنی، در وار دارد
سپاس از (آریا جان) و (نظامی)	حضور سبز شان انوار دارد
جناب (تیموری) استاد	به اشعارش در شهوار دارد
و لاکن محترم (مسعود حداد)	دوسه عینک به چشمش کار دارد

به تیمور گفتم از طالب نترسد ولی (حداد) عکس، بردار دارد
 گمان دارد، ز طالب ترس دارم که نقدش تیغ و هم تلوار دارد
 (شکیب) و (روکی) و (فاروق) و (موسی) پسند، هم (سیفی) و (احرار) دارد
 (عظیم) و (اجمل) و (خوشبین) و (شهلا) بلند شستِ شان از هار دارد
 (حکیمی) و (نذیر) و (عادلہ جان) فشارِ لایکِ شانِ فخر دارد
 به (عبدالله) و (کاظم) عرض حرمت پسند از لطف هریک بار دارد
 عزیزان، دوستان ! این را بدانید که « نعمت » دایم این گفتار دارد
 یزید و شمر و از شداد و طالب قلم ننگ و رقم هم عار دارد

تیغ جوهسردار

دلم امشب، هوای یار دارد
 ولی او، با رقیبان تار دارد
 به (سوما) شگوه آرم یا به (سینا)
 که (زینب) خامه در پرگار دارد
 چه زیب و زینتی داده به فیبوک
 سکار از یار و از اغیار دارد
 تماماً واژه هایش بحر آمیز
 ز ابرو، تیغ جوهسردار دارد
 گل و ریحان تراود از پیشاش
 بهشتی، درکپ و گفتار دارد
 لبان پر شراب، نابِ خالص
 زبانِ شهد و شکر بار دارد
 قلم با ناز، می آرد به جولان
 رسم، پرنور و پُر از ناز دارد

به دل بردن چنان استادِ ماهر
 به در، گفتارِ او ، دیوار دارد
 پیام (عاطفه) ، بانوی فرهنگ
 زلیخا ، یوسف و بازار دارد
 به آفتاب (علم) گویم نگویم
 که (خاله) لطفِ بس بسیار دارد
 چنان ذره نواز و نمله پرور
 دوا ، بر دردِ هر بیمار دارد
 (نجیب) و (پوپل) و (آروین) و (ظاهر)
 که هر یک گفتنی ، دُر وار دارد
 سپاس از (آریا جان) و (تظامی)
 حضورِ سبزِ شان انوار دارد
 جناب (تیموری) استادِ استاد
 به اشعارش دُرِ شهوار دارد
 ولاکن محترم (مسعودِ حداد)
 دوسه عینک ، به چشمش کار دارد

به تیمور گفتم ، از طالب ترسد
 ولی (حداد) عکس ، بردار دارد
 گمان دارد ، ز طالب ترس دارم
 که نفقش تیغ و هم تلوار دارد
 (شکیب) و (روکی) و (فاروق) و (موسی)
 پسند ، هم (سیفی) و (احرار) دارد
 (عظیم) و (اجل) و (خوشین) و (شہلا)
 بلند شستِ شان از بار دارد
 (حکیمی) و (نذیر) و (عادلہ جان)
 فشارِ لایکِ شان خوار دارد
 به (عبداسد) و (کاظم) عرضِ حرمت
 پسند ، از لطفِ هریک بار دارد
 عزیزان ، دوستان ! این را بدانید
 کہ «نعمت» دایم این گفتار دارد
 (نرید) و (شمر) و از (شداد) و (طالب)
 مسلم ننگ و رقمِ هم عار دارد